

روی خط خبر

تابوشکنی صداوسیما ملی

● در سی‌وسومین جشنواره موسیقی فجر اسمال، گروه‌های مختلف موسیقی؛ از ارکستر سمفونیک تهران تا گروه‌های کوچک‌تری از ایران و خارج از کشور اجرای خود را روی سن بردند. یکی از اجراهایی که باعث ایجاد حاشیه شد، کنسرت ارکستر صداوسیما به رهبری سهراب کاشف بود. چند روز قبل از اجرا، کسانی که در حال دیدن شبکه خبر بودند، با صحنه غربی مواجه شدند. گوینده خبر: «ارکستر سمفونیک رسانه ملی در سی‌وسومین جشنواره موسیقی جشنواره فجر، ترانه «ای ایران» را اجرا خواهد کرد»، ولی نکته، تصاویری بود که همراه با صدای گوینده پخش می‌شد؛ خانم‌ها کنار آقایان ساز می‌زدند و گروه کر، متشکل از خانم‌ها و آقایان که همراه با هم، سرود «ای ایران» را می‌خواندند. نشان‌دادن ساز، نشان‌دادن خانم‌ها کنار آقایان در حال ساززدن و خانم‌هایی که کنار آقایان در گروه کر هم‌خوانی می‌کنند، تصاویری است که سال‌هاست رسانه ملی از نشان‌دادن آنها به‌شدت خودداری کرده. حالا چه اتفاقی افتاده است که ما می‌توانیم این تصاویر را ببینیم؟ آیا چون تبلیغ کنسرت، مربوط به خود صداوسیما بوده، دیدن این‌گونه تصاویر ایرادی ندارد؟ یا شاید فضا برای نشان‌دادن عمق تخصص نوازندگان و آهنگ‌سازان ایرانی، به‌خصوص در زمینه موسیقی کلاسیک بازتر شده است؟ در کنسرت با یکی از نوازندگان حاضر صحبت کوتاهی کردم. وقتی در مورد وضعیت حاضر نوازندگان از او پرسیدم، به من گفت که حمایت‌های معنوی و مالی نسبت به قبل پیشرفت بسیار خوبی داشته و آزادی‌های بیشتری دارند؛ هم در مورد نحوه پوشش که سخت‌گیری‌های سابق کمتر شده و هم در مورد اهمیت‌دادن به کسانی که در زمینه موسیقی کلاسیک کار می‌کنند، اعم از سازندگان تا نوازندگان که تا پیش از این بیشتر در سایه فعالیت می‌کردند. امید آن است که گشایش‌ها در این زمینه بیشتر شود تا فعالان این عرصه از موسیقی در جایگاه واقعی خود نمایش داده شوند.

در پچه

«هندی وهرمز» سومین نماینده ایران در برلین

● فیلم «هندی و هرمز» به کارگردانی عباس امینی به بخش «نسل» شصت‌وهشتمین جشنواره فیلم برلین راه یافت. این فیلم به کارگردانی عباس امینی، نویسنده‌گی حسین فرخزاد و عباس امینی و تهیه‌کنندگی پوریا حیدری‌اوره در بخش مسابقه بخش «نسل» جشنواره فیلم برلین ۲۰۱۸ به روی پرده خواهد رفت. «هندی و هرمز» همراه با فیلم «درسازه» به کارگردانی پویا بادکوبه، دو نماینده سینمایی ایران در بخش «نسل» جشنواره برلین هستند که هر دو در دسته «plus 14» که ویژه فیلم‌هایی برای نوجوانان بالای ۱۴ سال است، به روی پرده می‌روند. پیش‌تر حضور فیلم «خوک» مانعی حقیقی برای بخش رقابتی جشنواره برلین قطعی شده بود. عباس امینی قبلاً با اولین ساحت‌های «والدراهم» در بخش «نسل» شصت‌وششمین دوره جشنواره فیلم برلین حضور داشته و این دومین تجربه حضور او در این رویداد مهم سینمایی است. فیلم سینمایی «هندی و هرمز» که محصول مشترک ایران و جمهوری چک است، با بازیگران بومی ساخته شده و روایت‌کننده داستان هندی و هرمز، دو نوجوانی است که طبق سنت مردم جزیره با هم ازدواج می‌کنند. آنها درکی از یکدیگر ندارند؛ اما دنیای ناشناخته و جذاب ارتباط با همدیگر، آنها را به هم‌بازی‌هایی صمیمی تبدیل می‌کند؛ اما این بازی که نامش زندگی است، هر لحظه برای آنها خطرناک‌تر می‌شود. عوامل فیلم سینمایی «هندی و هرمز» عبارت‌اند از: کارگردان: عباس امینی،تهیه‌کننده: پوریا حیدری‌اوره، نویسنده‌گان: حسین فرخزاده و عباس امینی، مدیر فیلم‌برداری: اشکان اشکانی، طراح صحنه و لباس و دستیار کارگردان: آزاده موسوی، صدابردار: رضا تهرانی و حسین پوررجیمی، تدوین: شهرزاد توکل و احسان واتقی، آهنگساز: مهران قان‌دی‌پور، صداگذار: مهرشاد ملکوتی، اصلاح رنگ نور: کمپانی میکب لب، پوستر: علی باقری، مدیر تولید: حسین فرخزاده، سرمایه‌گذاران: مهروار ارون، آندره شافر و پوریا حیدری، مشاور رسانه‌ای: محمد حیدری. بازیگران: حامد علیپور، زهره اسلامی، محمد بانوج و…

فرانک آرتار، روز گذشته در مراسمی، معاونت انیمیشن، برای نخستین‌بار از سوری رئیس مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی معرفی و امیرمحمد دهستانی به این سمت منصوب شد. بعد از تغییروتحولات مأموریت‌های ادارات و مراکز تحت نظر سازمان سینمایی در زمان حجت‌الله ایوبی و تا امروز که محمد مهدی حیدریان بر صندلی ریاست سازمان سینمایی نشسته است، حمایت از سینمای انیمیشن برعهده این مرکز افتاد. سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد در این مراسم درباره لزوم وجود چنین معاونتی توضیح داد: «از دو سال قبل مقرر شد در ساختار مرکز و فعالیتی که در طول بیش از ۳۴ سال انجام می‌گرفت، تغییراتی ایجاد شود و حمایت از تولید فیلم‌های اول و دوم سینمایی، مستند، فیلم کوتاه حرفه‌ای و انیمیشن که در این «مرکز» انجام می‌شد، به تمرکز بر تولید مستند و انیمیشن محدود شود. البته این تصمیم تنها به معنای حمایت ویژه از سینمای مستند نبود و باید اعلام کنم که اساس این تغییر به دلیل رویکرد و حمایتی بود که سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حمایت از سینمای انیمیشن کشور مدنظر داشت». چنین اقدامی از سوی دولت قطعاً به رسمیت‌شناختن سینمای انیمیشن ایران است، هرچند که در مقایسه با سینمای جهان دیر هنگام به نظر می‌رسد، ولی همین قدم را هم باید غنیمت شمرد. درباره ویژگی‌ها و آسیب‌های چنین حرکتی با روانبخش صادقی، کارگردان و تهیه‌کننده انیمیشن و دبیر هیئت‌مدیره «خانه سینما»، گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم که می‌خوانید.

راه‌اندازی معاونت سینمای انیمیشن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم قطعاً چنین حرکتی مثبت است، اما تازه اولین گام است و حقیقتاً نهایت مطالبات انیمیشن‌هی نیست! ولی شروع خوبی است، چون برای همین شروع هم آقای طباطبایی‌نژاد و سایر مسئولان بالاتر زحمات زیادی کشیدند، حتما می‌دانید اضافه و کم‌کردن واحدها و مأموریت‌ها در ساختار دولتی چندان راحت نیست. خوشبختانه با تغییر مأموریت‌ها در ساختار مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی فرصتی فراهم شد که به سینمای انیمیشن توجه شود. بنابراین این شروع را به فال نیک می‌گیریم و ضمناً انتصاب آقای دهستانی به

گفت‌وگو با روانبخش صادقی، کارگردان و تهیه‌کننده انیمیشن و دبیر هیئت‌مدیره «خانه سینما»

راه‌اندازی معاونت انیمیشن کف مطالبات ماست



این سمت را تبریک می‌گویم. ایشان مناسب چنین سمتی هستند، چون هم به سینما تسلط دارند و هم سینمای انمیشن را خوب می‌شناسند.

به نظر شما چه اتفاقاتی باید در این معاونت رقم بخورد؟

با ایجاد این معاونت، قطعاً ردیف بودجه و امکانات جدید به مرکز اختصاص داده می‌شود که بر اساس آن می‌توان مطالبات اهالی انیمیشن را دنبال کرد. حتی شنیده‌ام قرار است عنوان مرکز به «مرکز حمایت سینمای مستند و انیمیشن» تغییر پیدا کند که مبین این اصل است که مطالبات سینمای انیمیشن به طور رسمی مورد توجه قرار می‌گیرد. دیگر این نوع سینما متولی پیدا کرده

و جای مشخصی هست که به حرف‌های سینماگران گوش دهد و حتی عمل کند. البته به نظرم ظرفیت این سینما در ایران آن‌قدر زیاد است تا به مرکزی مستقل یا بنیادی مستقل زیر نظر وزارت ارشاد تبدیل شود. با همه این حرف‌ها، به نظرم در این مرکز باید فیلم‌های بلند انیمیشن ساخته و بعد اکران شوند.

آ واقعیت این است که سال‌های سینمای ایران، برای فیلم‌های زنده کفایت نمی‌کند، چه برسد به فیلم‌های انیمیشن! در این صورت فاصله میان عرضه و تقاضا بیشتر نمی‌شود؟

به نظرم مخاطبان مهم هستند. هر فیلمی که بتواند مخاطب بیشتری را جذب کند، حتماً بهتر و راحت‌تر اکران می‌شود. فیلم‌ها باید بتوانند مخاطبان را جذب کنند.

آیا پتانسیل سینمای انیمیشن ما تا این حدی که گفتید، هست؟

من فکر می‌کنم اتفاقاً سینمای انیمیشن اکران –منظور جشنواره‌ای و هنری نیست– خیلی زودتر از سینمای زنده داستانی می‌تواند فاصله مخاطب را در سطح جهانی پر کند، چون محدودیت‌های آن سینما را ندارد.

این اتفاق چگونه حاصل می‌شود؟

ما در ایران نیروی انسانی کافی و خلاق و انگیزه‌های لازم را داریم. منتها با مدیریت صحیح و سرمایه‌گذاری و مهم‌تر از آن با تولیدات مشترک می‌توانیم به این نتیجه برسیم که هم مخاطبان جهانی را جذب کرده و هم سرمایه و ارز وارد کشور کنیم.

روایتی از پرفورمنس امیر مُعبد در گالری ایرانشهر



دراز دارد. ریچارد شکندر در کتاب «نظریه اجرا» هنر اجرا را به مراسم آیینی پیوند می‌زند. حضور پررنگ پیکر انسان در مراسم آیینی و پرفورمنس دلیل این پیوند تاریخی است. پرفورمنس یک اجرا از سوی انسان و با استفاده از یک انسان است و تفاوت اصلی آن تا تئاتر در حضور محوری و خالص بدن است. در پرفورمنس عموماً صلی آن با قراردادهای زبانی وجود ندارد و گاهی آواهای پیش از کلام تنها بیان پرفورم می‌شود.

عصر پنجشنبه، بیست‌ویکم دی‌ماه ۹۶، مردی با زخم‌هایی خودخواسته روی بدن با میان‌پوشی سفید، وسط گالری ایرانشهر ایستاده بود و زالوهایی سیاه خون قرمز جاری روی کفپوش سفید را می‌نوشیدند. کیسه سرم بدون اتصال به آنژیوپک دست چپ پرفورم، کنارش آویزان بود. نام این مرد امیر مُعبد است، نه مُعبد و نام اجرائیش «از ماست» که در ماست». امیر مُعبد پرفورمری باسابقه و معتقد به هنر پرفورمنس است و باور او به کارش در تمامی اجراهایش دیده می‌شود.

اجراهای او بسته و محدود به خود او و همراهانش هستند و این موضوع تعامل مخاطب را عقیم می‌کند و این‌بار رفتار خوب، ولی غیرحرفه‌ای – نامربوط به پرفورمنس – کارکنان گالری ایرانشهر هم این موضوع را تشدید می‌کرد. کیوریتور کار می‌توانست ممانعت از عکس‌برداری را تبدیل به بخشی از اجرا کند، ولی متأسفانه تذکرات کارکنان گالری و دقت‌نظر در گرمای مطبوع سالن، محیط کاملاً آکواریمی برای پرفورم ایجاد کرده بود تا مبادا سرما نخورد. درست‌مثل این بود که کسی که ساندویچ استیک در

دستش است، با لپ‌های ورم‌کرده از گرسنگی حرف بزند. قبول کنیم ترس از سرماخوردگی برای پرفورمری خون‌آلود، مضحک می‌نماید. مقایسه کنید با اجراهای وفا بلال یا ارلان فرانسیو که برای اجرا زیر تیغ جراحی‌های سنگین می‌روند. قطعاً در فضایی سرد و سنگین، این اجرا موفق‌تر بود، مثلاً کارکنان گالری به‌جای خواشش مؤدبانه از مردم برای عکس‌نگرفتن می‌توانستند در سکوت کامل روبه‌روی کسی بایستند که می‌خواست عکاسی با فیلم‌برداری کند. به‌هرحال کیوریتور این اجرا تمام راه‌های ورود هنر هئینیک – اتفاق – را بسته بود. اما نقطه عطف اجرا زمانی بود که یکی از مخاطبان سعی کرد آنژیوپک را به کیسه سرم وصل کند تا مانع افت فشار پرفورم شود و یکی دیگر از مخاطب‌ها با جمله «قرار نیست وصل شود»، به مخاطبی که می‌خواست نقش پرستار را بازی کند تذکر اجرائی داد. امتناع پرفورمر نه بازی بود و نه حرفه‌ای‌گری. یک امتناع واقعی بود و این از اعتقاد و باور این پرفورمر به کارش ناشی می‌شود. ولی شنیدن عبارت «قرار نیست» در محل اجرای هنری که اساساً روی هیچ قرار قبلی‌ای استوار نیست، عجیب بود.

انتخاب نام از «ماست» که در ماست» مؤید این نکته است: امیر معبد به جبرانی فردی در درون خودمان معترض است که این جریان، وضعیت بیرونی و اجتماعی را برای ما مشکل می‌دهد. البته من همچنان معتقدم عنوان‌گذاریشتن روی هر اُبژه هنری، جز پست‌رانه‌های جست‌وجو و ارتباط برای مخاطب، کار دیگری نمی‌کند و بخشی از دیکتاتوری هنرمندهای مؤلف و جریان تبلیغ و سرمایه است. قطعاً مستندکردن اجرای «از ماست» که در ماست» کمی سخت است. سندنسازی و ضبط پرفورمنس در ایران با مشکلات عجیبی مواجه است. روبرویی با پیکر طبیعی انسان در هنر پرفورمنس و سیاسی‌انگاری تمامی امور مربوط به زخم و خون این مشکلات را بیشتر می‌کند. از نظر بعضی‌ها حتی بیمارستان و اتاق عمل محفلی سیاسی‌اند و شاید زوری یلمب بشوند. ما عموماً از پرفورمنس‌ها گزارشی در مطبوعات نداریم و اگر فضای مجازی نبود، پرفورمنس‌ها در ایران فقط در حافظه دیداری مخاطب‌ها پایگانی می‌شدند و انتشارشان محدود می‌شد. عجیب نیست که بیشتر اجراهای دهه اخیر هنر اجرا، رویکرد و دغدغه خشونت دارند. اگر شروع‌کننده هنر اجرا را فوتورست‌ها یا به زبان خودمان، آئیندنگرها بدانیم، احتمالاً اجراگرها، آئینده‌ای پر از خشونت برای جهان پیش‌بینی می‌کنند.

نقدی بر نمایش بیست‌متری

طنزِ مینی‌مال، تراژیکِ ماکزیمال

سیر حرکتی درام بیر صحنه، از بسته‌بودن به سمت گشودگی است. به همین دلیل اولین بخش نمایش، در فضای تنگ داخل تاکسی می‌گذرد و میزانشن صحنه با نوعی نورپردازی اندک در فضای تاریک، بازیگر را در گوشه‌ای دنج قرار می‌دهد تا هم تنگی فضای داخل تاکسی و هم تنگ‌بودن فضای زیستی را تداعی کند. این‌فضای روایتی در اجرا با تغییر نورپردازی و ورود منابع نور بیشتر و نیز حرکت‌دادن بازیگران به سمت و نظر صحنه و متحرک‌شدن آنها، گشودگی فضای زیستی را همراه با تعدد مسانلشان، بیشتر آشکار می‌کند، به‌طوری‌که هرچه فضای روایتی در اجرا گشوده‌تر می‌شود، روایت هم از ترازادی به طنز تبدیل می‌شود و نهایتاً با یک وضعیت «طنز– تراژیک» به پایان می‌رسد.

اوج کار نمایش، هم در متن، هم در روایت، هم در طنز و هم در نقد اجتماعی، در دو قسمت سوم و چهارم است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که نمایش در اجرا به افت ریتم دچار شده است، چراکه احساس می‌شود نمایش کمی دیر شروع می‌شود. برای رفع این آسیب، دو راه وجود داشت:
– با جای آپیژودها عوض می‌شد و یک‌خط‌درمیان ساکن– متحرک، یا طنز– تراژیک اجرا می‌شد.
– یا اوج و فرود طنز– تراژیک در هر چهار آپیژود در یک تناسب ریتمیک، طراحی و اجرا می‌شد. اما حتی با درنظرگرفتن این آسیب ریتمیک در روایت و در اجرا، «بیست‌متری» نمایشی دیدنی است که متأسفانه درست دیده نشده است.

هنر

زیر آسمان فیروزهای

داوران ۳ بخش جشنواره تئاتر فجر

● **گروه هنر:** سرانجام یک روز مانده به برگزاری سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی جشنواره تئاتر فجر، هیئت داوران در بخش‌های سه‌گانه مسابقه تئاتر صحنه‌ای و خارج از صحنه‌ای معرفی شدند. تئاتر بین‌الملل، تئاتر ایران (الف) و تئاتر ایران (ب) سه بخش مسابقه تئاتر فجر امسال را تشکیل می‌دهند که اسامی داوران هر یک از بخش‌ها به شرح زیر است:

مسابقه تئاتر بین‌الملل

نیکلاس هلبلینگ از سوئیس، لمان ایلمار از ترکیه، لوسیا ون‌هَرِن از هلند، بهزاد قادری و فاطمه معتمدآریا از ایران در بخش مسابقه بین‌الملل،

داوری ۱۸ نمایش را برعهده دارند.

نیکلاس هلبلینگ، کارگردان و دراماتورژ آلمانی، متولد ۱۹۵۹ است و نمایش‌هایی مانند «یک رویای شب نیمه تابستان»، «بگو به/ ضحاک»، «بمب‌گذاری»، «سقوط دختر»، «سه تفتگذار» را کارگردانی کرده. هلبلینگ دراماتورژ تئاتر تالیای هامبورگ و مدرس دراماتورژی و کارگردانی تئاتر در دانشگاه هامبورگ و زوریخ نیز هست. او که دانش‌آموخته تاریخ و زبان آلمانی از دانشگاه زوریخ است، کارگردان، تهیه‌کننده و عضو تیم نویسندگی بیش از ۲۰ نمایش‌نامه غیراقباسی دارد. هلبلینگ مدیریت تئاتر‌های دولتی بوخوم، مانهایم، زوریخ، دوسلدورف، فرانکفورت، کلن، اولدنبورگ، هامبورگ، لوبک، لوتسرن، درسدن، ماینتس، جشنواره سالزبورگ و تئاتر بورگ را در کارنامه خود دارد و عضو مؤسس تئاتر مستقل و جمعی مس‌آندِفِر زوریخ است.

لسمان ایلماز، متولد ترکیه و دانش‌آموخته کارشناسی و کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه بوسفوروس و دکترای دراماتورژی و نقد از دانشگاه استانبول است. او که مدیر جشنواره تئاتر IKSV استانبول است، مقالات متعددی درباره تئاتر نوشته. ایلماز دستیار مدیر مؤسسه فرانسوی استانبول، مدرس مدیریت هنرهای نمایشی دانشگاه پیکنت و دبیرتمان کنسرواتوری پانتومیم استانبول نیز هست.

لوسیا ون هَرِن، منتقد و مدیر تئاتر، متولد ۱۹۶۱ در هلند است. او دانش‌آموخته زبان و ادبیات فرانسه و مطالعات تئاتر، سینما و تلویزیون از دانشگاه‌های اوترخت، اتن-آکس-ا-بروونس و پاریس و علوم تئاتر از دانشگاه گرونینگن است. ون هَرن، عضو هیئت داوران جایزه تئاتر VSCD لوئیس اند تودور، هماهنگ‌کننده برنامه‌های کارشناسی‌ارشد بین‌المللی مؤسسه ACM، مدرس دانشگاه‌های هلنسکی فنلاند، لندن و بولونیا، عضو هیئت‌مدیره انجمن Theatermaker.nl و KNT/IATC و نماینده انجمن بین‌المللی منتقدان تئاتر IATC است.

مسابقه تئاتر ایران (الف)



قربانعلی نصرت صابر از تاجیکستان، نادر برهانی‌مرند و محسن علیخانی از ایران، ۲۱ نمایش در بخش مسابقه تئاتر ایران (الف)

را داوری خواهند کرد. قربانعلی نصرت صابر، هنرمند تاجیکستانی، متولد ۱۹۶۰ است که در رشته بازیگری تئاتر و سینمای دانشکده هنرهای زیبای دولتهبه تحصیل کرده است.

او بازیگر و کارگردان آکادمی تئاتر ابوالقاسم

لاهوئی است و تدریس بازیگری در دانشکده

هنرهای زیبای میوزا تورسنزاده و تالیف کتاب‌های

فرخ‌نامه و دردهای پس پرده یک جامی پر از درد

را در کارنامه دارد.

مسابقه تئاتر ایران (ب)

منصور براهمی، حسین مسافراستانه و شیوا مسعودی از ایران، ۲۲ نمایش بخش مسابقه تئاتر ایران (ب) را برعهده دارند.

معرفی داوران بخش‌های خارج از صحنه سی‌وششمین جشنواره تئاتر فجر

داوران بخش‌های مسابقه خارج از صحنه (مکان‌های نامتعارف) و مسابقه خارج از صحنه (تئاتر خیابانی)، سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر معرفی شدند.

در بخش مسابقه خارج از صحنه (فضاهای نامتعارف) محمد عاقبتی، میلاد شجره و آزاده کنبه در کنار گروه‌های شرکت‌کننده برای انتخاب نمایش‌های برتر امتیازات خود را اعلام خواهند کرد.

در بخش مسابقه خارج از صحنه (تئاتر خیابانی) نیز شورای ۱۰ نفره‌ای از فعالان حوزه تئاتر خیابانی از طریق امتیازدهی، آثار برتر این بخش را انتخاب خواهند کرد. این شورا عبارت‌اند از: امیرحسین شفیعی، حامد زارغان، مهدی حبیبی، کاوه مهدوی، محمدهادی عطایی، فاتح بادپروا، فاطمه رامنش، پیام عزیزی، محمد زواری‌ریا و ابودر چهل‌امیرانی.

حمید پورآزری مدیریت بخش خارج از صحنه این دوره از جشنواره را برعهده دارد.

سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، به دبیری فرهاد مهندس‌پور، از ۲۸ دی‌ماه تا ۹ بهمن‌ماه برگزار می‌شود.